

عنوان پادکست: در طلب خداوند

در طلب خداوند - وجدان پاک

نازی: برنامه امروز به موضوع بسیار مهمی اشاره می‌کند که می‌تواند مشارکت و رابطه ما را با خدا عمیقاً مختل کند.

سابرینا: عزیزان، اگر روابط ما با دیگران، روابطی کتاب مقدسی نیست، رابطه ما با خدا هم ایراد پیدا می‌کند و خدشه‌دار می‌شود.

نازی: شنوندگان عزیز، با برنامه‌ای دیگر از پادکست **دل‌هایمان احیا کن** با صدای سابرینا اصلاصان در خدمت شما شنوندگان دوست داشتنی هستیم.

در طول چند برنامه قبل، اگر با ما همراه بوده باشید، با هم به خصوصیات ویژه یک بیداری روحانی شخصی پرداختیم و موضوعات مهمی از قبیل فروتنی، صداقت، توبه، فیض و قدوسیت را مورد بررسی قرار دادیم. امیدواریم که تا بحال کتاب **در طلب خداوند** را همراه با این برنامه‌ها مورد مطالعه قرار داده باشید.

در برنامه امروز به مورد مهم دیگری در سفر "طلبیدن خداوند" خواهیم پرداخت. از شما دعوت می‌کنیم با ما همراه شوید.

سابرینا: در این سری برنامه‌های تازه از شما دعوت می‌کنم که به یکی از مهم‌ترین، قدرتمندترین و عملی‌ترین اصلی که در کلام خدا به آن اشاره شده است، توجه کنید. این اصل مهم، داشتن وجدان پاک است. در واقع، این اصل به ما کمک می‌کند تا هر آنچه را که تا بحال درباره آن صحبت کردیم در زندگی خودمان عملاً پیاده کنیم. تا بحال اگر یادتان باشد درباره موضوعاتی از قبیل فروتنی، صداقت، توبه و اطاعت صحبت کردیم. اینها ممکن است فقط یک سری اصطلاحات زیبای روحانی و یا الاهیاتی به نظر برسند، اگر در زندگی ما به مرحله عمل نرسند. ولی از طرف دیگر اصل داشتن وجدان پاک به ما کمک می‌کند تا این حقایق بنیادی الاهیاتی را به مرحله اجرا بگذاریم.

ما با عنوان کردن موضوعاتی از قبیل فروتنی، صداقت، توبه و اطاعت، در واقع به رابطه عمودی‌ای اشاره کرده‌ایم که بین ما و خداست. و از اینجا بیداری روحانی شروع می‌شود... از جایی که قلب ما با خدا راست باشد، و رابطه ما با خدا در صحت و سلامت قرار بگیرد. بیداری وقتی به زندگی ما می‌آید که رابطه عمودی، یعنی رابطه ما با خدا، راست شده باشد.

ولی از امروز ما تمرکز خود را بر رابطه افقی قرار خواهیم داد. و رابطه افقی، رابطه ما با دیگران است. در واقع، رابطه ما با خدا بر رابطه ما با دیگران نیز تأثیر می‌گذارد. بله، رابطه عمودی بر رابطه افقی تأثیرگذار است. و در این برنامه‌ها خواهیم دید که چگونه این رابطه عمودی یعنی رابطه ما با خدا بر رابطه‌های افقی ما یعنی روابط ما با دیگران تأثیر می‌گذارد. بله، خواهیم دید که رابطه ما با شوهرمان، با بچه‌ها، با والدینمان، با هم اطاقی مان، با همکاران شغلی مان، با رئیس مان، با سایر اعضای کلیسا همگی تحت تأثیر رابطه ما با خدا قرار دارند.

در واقع، هر وقت که بیداری روحانی واقعی‌ای در ما اتفاق می‌افتد، اولین جایی که آثار این بیداری خودش را نشان می‌دهد، در روابط ما با دیگران است... مخصوصاً افرادی که در چهار دیواری زندگی خصوصی ما با ما زندگی می‌کنند و بعد به همین ترتیب با سایر افرادی که به طریقی جزو زندگی ما هستند.

و حالا امروز می‌خواهیم به این اصل مهم یعنی داشتن وجدان پاک بپردازیم.

شخصی وجدان پاک را به رادار قلب انسان تشبیه می‌کند. کاری که رادار می‌کند این است که به دریانوردان یا خلبانان نشان می‌دهد که آیا وضعیتی طوفانی در راه است؟ یا وضعیتی صاف و فاقد هر نوع باد و طوفان و خطر است. و وجدان، سیستم "رادار" قلب و روح زندگی ماست. وجدان، به ما نشان می‌دهد که آیا مشکل خطرناک و حادثی ما را تهدید می‌کند یا نه؟ و مسلماً وقتی که این وجدان بر روی صفحه خود علائم اختلال و طوفانی حس تقصیر و گناه را به ما نشان می‌دهد، قطعاً باید به این علائم هشدار دهنده توجه نشان دهیم، چون زندگی ما در واقع تحت خطر است.

پولس در اعمال رسولان فصل ۲۴: ۱۶ می‌گوید: «سخت میکوشم تا نسبت به خدا و مردم با وجدانی پاک زندگی کنم.» یعنی دائماً چک می‌کند که هوایی پاک و تمیز و غیرطوفانی بین خودش و خدا و خودش و دیگران وجود داشته باشد.

رابطه افقی یعنی رابطه ما با دیگران، موضوعی است که در طول چند برنامه آینده، ما درباره آن صحبت خواهیم کرد. اگر توجه کنید، پولس در این آیه تأکید می‌کند که تلاش می‌کند تا وجدانش نه فقط در مقابل خدا، بلکه در ارتباط با دیگران نیز صاف و پاک باشد. او می‌خواهد که هیچ مشکلی روی صفحه رادار وجدان او وجود نداشته باشد.

اگر به کتاب اول سموئیل مراجعه کنیم، در آنجا به نمونه‌ای برخوردار خواهیم خورد که بر روی صفحه رادار وجدانش همه چیز پاک و صاف بود. این مرد سموئیل نبی بود. اگر کتاب مقدس دارید، کتاب اول سموئیل فصل دوازدهم

را باز کنید. در اینجا، سموئیل دیگر پیر شده و حالا سالهاست که قوم خدا را خدمت می‌کند. او همه قوم را دعوت کرده تا از آنها وداع کند. او در آیه اول می‌گوید: «اینک هر آنچه را که به من گفتید، شنیدم و پادشاهی بر شما گماشتم. اکنون پادشاه، شما را رهبری می‌کند. اما من پیر و سپیدموی شده‌ام و اینک پسرانم با شمایند. من از جوانی خویش تا به امروز شما را رهبری کرده‌ام.»

اگر بیاد داشته باشید سموئیل فقط سه سال داشت که مادرش او را برای خدمت خداوند تقدیم کرد. او تحت کهنات عیلی کاهن در معبد خداوند بزرگ شده بود. و بعدها خدا او را به خدمت کهنات خواند. او با امانتداری و وفاداری، طی سالیان سال، خدا و قوم را خدمت کرده بود.

او پس از اینکه می‌گوید: از جوانی خویش تا به امروز شما را رهبری کرده‌ام، ادامه می‌دهد: «حال در برابرتان ایستاده‌ام. در حضور خداوند و مسیح او بر من شهادت دهید. تا به حال گاو یا الاغ چه کسی را گرفته‌ام؟ از چه کسی به زور چیزی ستانده یا بر که ستم کرده‌ام؟ از دست چه کسی رشوه گرفته‌ام؟ آری بر من شهادت دهید و آن را به شما باز خواهم گرداند.»

آیا می‌توانید این را تصور کنید؟ سموئیل از همه کسانی که در طول سالها او را شناخته‌اند و با او رفت و آمد داشته‌اند، می‌خواهد تا حاضر شوند. او در ملاء عام به همه می‌گوید که اگر اشتباهی نسبت به کسی مرتکب شده‌ام، اگر به کسی بدی کرده‌ام، و یا حق کسی را پایمال کرده‌ام، بیائید و در مقابل همه، مرا آگاه کنید. من حاضرم بشنوم.

قطعاً این بدان معنی نبود که او هرگز گناه یا اشتباهی مرتکب نشده بود. ولی نکته مهم این بود که او از وجدانی راحت و پاک برخوردار بود، و با اعلام این موضوع در جمع به این بزرگی، حتی اگر کسی پیدا می‌شد تا از او گله می‌کرد، مطمئناً او برای پاک نگاه داشتن وجدان خودش به اندازه کافی فروتنی نشان داده بود. و معذرت خواهی و جبران اشتباه در این مرحله برای او کار دشواری نبوده، و با این حساب قطعاً آن را هم انجام می‌داد. و اینچنین زندگی‌ای، آرامش خیال و شادی غیرقابل توصیفی را با خود به همراه دارد.

پولس رسول هم دائماً به وجدان خود رسیدگی می‌کرد، و آنرا مورد ارزیابی قرار می‌داد. او بارها و بارها در عهد جدید به مخاطبین خود گوشزد می‌کند که حق کسی را نخورده، از کسی سوءاستفاده ننموده، و به کسی بدی روا نداشته و باعث لغزش دیگران نشده است. بارها تأکید می‌کند که وجدان ما بر این شاهد است که «به قدوسیت و اخلاص خدایی رفتار کرده‌ایم.»

و اگر من و شما قادریم که بگوئیم در حضور خدا و دیگران وجدانم راحت و پاک است، زندگی ما پیغام قدرتمندی به دیگران خواهد داد. وجدان آزاد و پاک داشتن یعنی اینکه من و شما بتوانیم صادقانه بگوئیم "تا جایی که در خاطر من است، در زندگی کسی نیست که به او بدی‌ای کرده باشم یا گناهی نسبت به او مرتکب شده باشم، و اگر هم مواردی بوده، اول با خدا و سپس با آن شخص مسئله را با روش کتاب مقدسی حل کرده‌ام."

آیا ما قادریم که با وجدانی پاک مثل سموئیل بگوئیم به کسی دروغ نگفته‌ام؟ از کسی ندزیده‌ام؟ کلاه سر کسی نگذاشته‌ام؟ تقلب نکرده‌ام؟ غیبت و بدگویی کسی را نکرده‌ام؟ روح و روان کسی را مجروح نکرده‌ام؟ و اگر این گناه یا گناهان دیگری نسبت به کسی انجام داده‌ام، آیا حاضریم هر چه سریعتر آن را به خدا و دیگران اعتراف کرده و به اصلاح این موارد بپردازیم؟

بر اساس کلام خدا، من و شما هیچگاه نمی‌توانیم رابطه‌ای صحیح، راست و شفاف با خدا داشته باشیم، اگر رابطه‌ای شفاف و راست و پاک با دیگران نداریم. من و شما ممکن است بگوئیم که "بله، خدا به من بیداری روحانی بخشیده و من واقعاً لمس خدا را حس کرده‌ام. کتاب "در طلب خداوند" را خوانده‌ام و به این سری برنامه‌ها هم گوش کرده‌ام، و خدا در قلبم کار کرده و مرا فروتن ساخته و تشنگی جدیدی به خدا و کلام او در من بوجود آمده است." ولی عزیزان، اگر روابط ما با دیگران، روابطی کتاب‌مقدسی نیست، رابطه‌ ما با خدا هم ایراد پیدا می‌کند و خدشه‌دار می‌شود.

روابط خانوادگی ما، رابطه‌ من با شوهرم، رابطه‌ من با بچه‌هایم، و رابطه‌ من با والدینم و خلاصه بسیاری روابط دیگر چه شهادتی درباره‌ زندگی ما می‌دهد. ما باید به این موضوع خیلی اهمیت دهیم، چون اگر ما به کسی گناهی ورزیده‌ایم و یا رابطه‌ای راست و شفاف با دیگران نداریم، ایراد بزرگی در رابطه‌ ما با خدا هم وجود دارد.

من و شما نمی‌توانیم در رابطه‌ای شفاف و پاک با خدا زیست کنیم، اگر با دیگران راست و شفاف نیستیم. خدا در کلام خود صریحاً اعلام می‌کند که هر وقت ما به دیگران گناه می‌ورزیم، در واقع به او گناه ورزیده‌ایم. وقتی که به کسی بدی می‌کنیم، در واقع به او بدی کرده‌ایم.

در اعمال رسولان فصل ۹ می‌بینیم که وقتی مسیح بر پولس ظاهر می‌شود، جمله‌ عجیبی به او می‌گوید: «شائول شائول، چرا مرا آزار می‌رسانی؟» ولی شائول به چه کسانی آزار و جفا می‌رسانید؟ به مسیح؟ نه! او می‌رفت که مسیحیان و کلیسای مسیح را آزار دهد. ولی مسیح به او گفت «چرا مرا آزار می‌رسانی؟» چون وقتی من و شما به دیگران بدی می‌کنیم، این مثل آن است که به خود مسیح بدی کرده باشیم.

در متی ۲۵: ۴۰ مسیح گفت: «بشما می‌گویم آنچه برای یکی از کوچکترین من کردید، در واقع برای من کردید.» بله، آنچه که ما به دیگران می‌کنیم، در واقع به مسیح می‌کنیم. و برای همین اگر از خودمان سؤال کنیم "آیا من به مسیح دروغ می‌گفتم؟ آیا حاضر می‌شدم از او بدزدم؟ آیا شایعات بی‌اساس را درباره‌ او باور می‌کردم و مثل حقیقت محض در بین مردم پخش می‌کردم؟ آیا با خشم و عصبانیت با او برخورد می‌کردم؟ آیا او را تحقیر می‌کردم، و دائماً از او ایراد می‌گرفتم؟ آیا از او کینه بدل می‌گرفتم و با حرف نزدن و قهر کردن او را مجازات می‌کردم؟ آیا از او انتقام می‌گرفتم؟" عیسی گفت: «آنچه به یکی از این کوچکترین برادران من کردید، در واقع به من کردید.»

و حالا بیایید به وجدان خودمان نگاه کنیم. صفحهٔ رادار وجدان ما خبر از چه چیزهایی در زندگی ما می‌دهد؟ آیا صاف و بدون اختلال است، یا این صحنه خبر از وضعیت خطرناکی می‌کند؟ امروز آیا شما از وجدانی صاف، آزاد و پاک برخوردار هستید؟

وجدان شما دربارهٔ رابطه‌تان با شوهرتان چه می‌گوید؟ امروز چطور با او خداحافظی کردید؟ آیا همه چیز بین شما و او زلال و پاک و شفاف است؟ در رابطه با والدین تان چطور؟ و با بچه‌ها چطور؟ با مادرشوهر و پدرشوهر چطور؟ با هم اطاقی تان؟ با رئیس تان یا کارمند زیر دست تان، با ایمانداران و اعضای کلیسا چطور؟

آیا کسی هست که با او در صلح و رابطه‌ای صلح آمیز زندگی نکنید؟ آیا کسی هست که اصلاً نمی‌خواهید حتی نگاهتان به او بیفتد؟ آیا کسی هست که به او بدی کرده‌اید که حالا در حال پنهان کردن آن جرم و بدی باشید؟ آیا قدمهای غیرقانونی برداشتید که بوسیلهٔ آنها قانون را شکسته باشید؟ آیا موارد دزدی یا تقلب در زندگی شما به چشم می‌خورند؟ آیا از کسی چیزی قرض گرفته‌اید که به او پس نداده‌اید؟ آیا با زبان خودتان سعی بر بی‌آبرو کردن کسی داشته‌اید؟

در عین حال بعضی چیزها هست که من و شما با نکردن آنها نسبت به دیگران گناه می‌ورزیم. کمکها و تشویقها و برکاتی که می‌توانستیم در حق دیگران انجام دهیم و بخاطر غرور، خودخواهی، تنبلی، مشغلهٔ زیاد و عدم محبت آنها را محروم کردیم.

اگر موضوع وجدان آزاد و پاک نسب به خدا و دیگران موضوع جدی‌ای برای ما تلقی نمی‌شود، قطعاً با نتایج بزرگی روبرو خواهیم شد که زندگی ما را مختل خواهد کرد. این نتایج ممکن است بر وضعیت روحانی، عاطفی و احساسی و حتی فیزیکی ما اثرات مخربی بگذارد. و مخصوصاً هیچگاه برای مسیح شاهدهی امین و درخشان نخواهیم بود. چون دیگران خواهند دید که اعمال ما با ایمان ما همخوانی ندارد.

این همان چیزی است که پطرس در رسالهٔ خود دربارهٔ آن می‌نویسد. او در اول پطرس ۳: ۱۶ گوشزد می‌کند: «وجدان شما همیشه پاک باشد ... تا کسانی که از رفتار نیک مسیحائی شما بد می‌گویند، شرمند شوند.»

بنابراین هر وقت که ما وجدان خودمان را ارزیابی می‌کنیم تا به کسی بدی نکرده باشیم، و اگر هم بدی کرده ایم، آن را می‌خواهیم اصلاح کنیم، ما از خودمان شهادت خوبی به عنوان یک ایماندار به مسیح بجا می‌گذاریم و دشمنان ما فرصت بدگویی از ما پیدا نمی‌کنند.

و در عین حال، ما داوود را می‌بینیم که وقتی وجدانش در حضور خدا و دیگران پاک و آزاد نبود، دچار بحران‌های مختلف روحانی، احساسی و حتی جسمی شده بود. او در مزمور ۳۲ می‌گوید: «هنگامی که خاموشی گزیده بودم، استخوانهایم می‌پوسید از ناله‌ای که تمامی روز می‌کشیدم زیرا دست تو روز و شب بر من سنگینی می‌کرد. طراوتم به تمامی از میان رفته بود، بسان رطوبت در گرمای تابستان.» آیا داوود را می‌بینید، بخاطر اینکه صفحهٔ رادار

وجدانش از وجود گناه و ناراستی نسبت به خدا و دیگران به او خبر می‌داد، زندگی او هم از لحاظ احساسی و هم از لحاظ فیزیکی دچار مشکل و اختلال شده بود.

رابطه ما با خدا و دیگران می‌تواند حتی از لحاظ فیزیکی زندگی ما را تحت تأثیر قرار دهد. امروزه دانشمندان معتقدند بسیاری از بیماریهای گوارشی و اختلالات عضلانی، در واقع عوارضی هستند که از وضعیت احساسی و عاطفی افراد نشأت می‌گیرند. و این آن چیزی بود که داوود تجربه کرد. وقتی که ما رابطه شفاف و صادقانه‌ای با خدا نداریم، وقتی که غرق در تلخی، خشم و عدم بخشش دیگران بسر می‌بریم و وجدان خود را آزاد نمی‌کنیم، همه تمامیت وجودی ما و حتی جسم ما تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

در اول تیموتاؤس ۱: ۱۹ پولس به موضوعی خطرناک تر نیز اشاره می‌کند. او می‌گوید وقتی وجدان ما آزاد و پاک نیست، ایمان ما مثل یک کشتی طوفان زده در حال غرق شدن می‌شود. او به تیموتاؤس نصیحت می‌کند که «ایمان و وجدان پاک خود را نگه دار، چون کشتی ایمان بعضی‌ها به علت گوش ندادن به ندای وجدان در هم شکسته است.» (ترجمه مؤده)

پولس در اول تیموتاؤس ۱: ۵ به تیموتاؤس قبلاً گفته بود که مواظب باش چون هدف تعلیم ما، برانگیختن محبتی است که از دل پاک و وجدان روشن و ایمان خالص پدید می‌آید. بر اساس این آیه، وقتی ما وجدانی آزاد و پاک نداریم، ظرفیت ما برای محبت کردن بطور خودکار پائین می‌آید. توجه کنید، پولس می‌گوید، هدف تعلیم ما برانگیختن محبت است، و این نوع محبت فقط از دل پاک و وجدان روشن و ایمان خالص ظاهر می‌شود. بنابراین، این خیلی مهم است که ما با خودمان عهد ببندیم که به وجدانمان توجه کنیم و آن را آزاد و پاک نگاه داریم، وجدانی آزاد نسبت به خدا و نسبت به دیگران.

مسیح به اهمیت و جدیت این موضوع در متی فصل ۵: ۲۳-۲۴ اشاره خاص می‌کند. او در این آیه می‌گوید: «پس اگر هنگام تقدیم هدیه‌ات بر مذبح، به یاد آوری که برادرت از تو چیزی به دل دارد، هدیه‌ات را بر مذبح واگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن و سپس بیا و هدیه‌ات را تقدیم نما.» به عبارت دیگر هنگام تقدیم هدیه‌ات بر مذبح توجه کن.

این مورد می‌تواند اشاره به وقتی باشد که در کلیسا در حال پرستش هستیم و یا در وقت رازگهان، در حال خواندن کلام خدا و دعا هستیم، یا حتی وقتی خدمت می‌کنیم. بهر حال به عناوین مختلف من و شما ممکن است در حال تقدیم هدیه به خدا باشیم. ولی مسیح اهمیت موضوع داشتن وجدان آزاد را آنقدر بالا می‌بیند که می‌گوید اگر در همانجا، همان موقع به یاد بیاوری که با برادرت مشکل داری، هدیه خودت را واگذار. کلمه "واگذار" به ما نشان می‌دهد که کار دیگری هست که در الویت قرار دارد. کار دیگری هست که در حال حاضر خیلی مهم تر از آن هدیه‌ای است که داری روی قربانگاه می‌گذاری، و آن [اولویت] حل مشکل با برادرت است. اگر به او گناه کرده‌ای، این موضوع باید حل شود. هر چه را که می‌کنی متوقف کن. اگر دعا می‌کنی، اگر سرود می‌خوانی، اگر خدمت می‌کنی، آن را متوقف ساز، و هر موردی که بین تو و برادرت هست را اصلاح کن.

وقتی که وجدان ما نسبت به دیگران آزاد و پاک نیست، خدا در واقع به ما می‌گوید که هدیه‌ات را نمی‌خواهم و اصلاً آن را نمی‌پذیرم. اول برو و رابطه‌ات را با برادرت، خواهرت اصلاح کن. آشتی کن، ببخش، گناه خودت را به او اعتراف کن و رابطه را پاک کن و آن را تصفیه کن.

و حالا شما! چه چیزی الان، در حال حاضر بیادتان می‌آید؟ شاید در حالی که ندای وجدان شما، چیزهایی را به یاد شما می‌آورد، از خودتان سؤال کنید که خوب حال چه باید بکنم؟

این سؤال خیلی خوبی است. در بقیه برنامه امروز به بعضی راهکارهای عملی در این زمینه خواهیم پرداخت.

اول از همه فهرستی از همه آن مواردی که بیاد می‌آورید، تهیه کنید ... تا جایی که بیاد می‌آوردید یادداشت کنید و هر مورد را جدی بگیرید، و سپس مصمم و هدفمند نزد آن شخص بروید. بیاد داشته باشید که مسیح گفت هدیه خود را بگذار و به نزد برادرت برو. از این لیست شروع کنید و ادامه دهید. شاید بهتر باشد از دشوارترین مورد شروع کنید. چون وقتی ما تأخیر می‌کنیم، این امکان را بیشتر برای خود فراهم می‌کنیم که اصلاً آن کار را انجام ندهیم. و از طرف دیگر، وقتی ما از دشوارترین مورد شروع می‌کنیم، موارد بعدی برای ما آسان تر بنظر می‌آیند.

یکدفعه خانمی می‌گفت که در لیست اسامی خودش ۳۲ نفر داشت که می‌بایستی با آنها صحبت کند و او این کار را کرد. او شهادت می‌داد و از شادی داشتن وجدان آزاد در پوست نمی‌گنجید. او می‌گفت: "فقط لازم است که صادقانه آنچه را که نسبت به آنها انجام داده‌ایم اعتراف کنیم. اعترافی فروتنانه."

پسر گمشده نیز وقتی به نزد پدر خود بازگشت، به او اعتراف کرد و گفت: «نسبت به خدا و به تو گناه کرده‌ام.» (لوقا ۱۵: ۱۸) وجدانم نسبت به خدا و تو آزاد و پاک نیست و آمده‌ام تا رابطه خدشه دار خود را با خدا و با تو درست کنم.

پس از اعتراف به گناه، وظیفه ما طلب بخشش و درخواست مصالحه و آشتی است. در این رابطه شاید بعضی از توصیه‌های عملی راهکارهای مفیدی بحساب آیند. طریقه مطرح کردن موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است.

اول از همه، داشتن روحیه فروتنی و متواضع در صحبت، موضوع خیلی مهمی است. شما قرار نیست در مسائل پیش آمده کسی را مورد سرزنش قرار دهید، یا از کسی دفاع کنید و یا برای مشکل عذر موجه بیاورید، و آن را توجیه کنید.

موضوع اساسی معذرت خواهی و طلب بخشش با فروتنی است، و مسلماً شخص شنونده باید دقیقاً بداند که شما بابت چه چیزی از او معذرت خواهی و طلب بخشش می‌کنید.

و سپس به او فرصت عکس‌العمل نشان دادن دهید. گاهی وقتی که ما درباره موضوع خاصی صحبت می‌کنیم، طرف شنونده ممکن است عکس‌العمل نشان دادن نداشته باشد، ولی ما باید این فرصت را به شخص بدهیم که صحبت خود را بکند. بیاد داشته باشید که کار شما برانگیختن وجدان طرف مقابل نیست. الان سهم شما این است که فقط آنچه را که لازم است درباره خودتان و از طرف خودتان بکنید، انجام دهید. بنابراین الان

وقت آن نیست که شما شخص مقابل را مورد سرزنش قرار دهید. مثلاً در ارتباط با شوهر یا فرزندان، ممکن است حتی اشتباه آنها نسبت به شما بزرگتر از قدمهای بدی باشد که شما نسبت به آنها برداشته‌اید. اما آنچه که الان باید برای شما در الویت باشد این است که شما نسبت به مسئولیتی که خدا از شخص شما انتظار دارد، مسئولانه و مطیعانه قدم بردارید. کار شما در این لحظه، موجه جلوه دادن خود و متهم کردن دیگران نیست. مثلاً فرض کنید که با شوهر خود بگو مگو داشته‌اید و خدا شما را می‌فرستد تا معذرت خواهی کنید. گاهی ما قدم فروتنانه برمی‌داریم، و به او می‌گوئیم مثلاً معذرت می‌خواهم که بد صحبت کردم یا عصبانی شدم یا مثلاً بی احترامی کردم، ولی خوب اگر تو اینطور و آنطور نمی‌گفتی، من ... اینطور عکس‌العمل نشان نمی‌دادم. این واکنش، واکنش فروتنانه نیست، بلکه همه از غرور ما سر می‌زند، اگرچه معذرت خواهی هم کرده باشیم.

فروتنی همیشه حاضر است که بر اشتباه خود تمرکز کند، و در مقابل اشتباه خود مسئولانه عمل کند، نه اشتباه دیگران. برای شخص فروتن گفتن اینکه من اشتباه کرده‌ام و آیا مرا می‌بخشی کار مشکلی نیست. اگر من و شما واقعاً طالب بخشش هستیم، پس آن را از دیگران می‌طلبیم و در پی توجیه کردن خودمان نیستیم و از خود هم دفاع نمی‌کنیم. در صحبتی که دارید هرگز به این موضوع نپردازید که خوب اگر تو اینچنین و آنچنان نمی‌کردی، من همچنین واکنش بدی نشان نمی‌دادم.

از طرفی به شما توصیه می‌کنیم که این کار را در نامه یا ایمیل یا پیامک و خلاصه نوشته به هیچ وجه انجام ندهید. در فن مشاوره مسیحی معمولاً تأکید می‌شود که افراد در این صحبت‌ها تماس چشمی داشته باشند. این خیلی لازم است که طرف مقابل احساس و روحیه شما را حس کند. اگر شما مجبور هستید که اینکار را به صورت مکالمه تلفنی کنید، ایراد ندارد ولی دوباره توصیه می‌شود که این مکالمه بصورت دیدار شخصی باشد.

نکته مهم دیگری که باید در نظر گرفت این است که دامنه گناه ما تا چه حد است. آیا گناهی که ما مرتکب شده‌ایم فقط مربوط به ما و خداست؟ پس فقط آنرا به خدا باید اعتراف کنیم. اگر به یک شخص مشخصی گناه ورزیدیم، ابتداء آنرا به خدا باید اعتراف کنیم و سپس با آن شخص بطور شخصی باید صحبت کنیم و گناهمان را به او اعتراف کنیم. اگر گروهی از افراد تحت تأثیر گناه شما قرار گرفته‌اند، پس باید با همه صحبت شود. مثلاً اگر شما گناهی کرده‌اید که همه کلیسا از آن مطلع است، یا گناهی هست که همه خانواده شما از آن اثر پذیرفته است، باید به همه اعتراف شود. گاهی اوقات من و شما در خانواده به عنوان یک مادر، درگیر غرور و شکایت، تندخویی، داد و فریاد و یا تحکم می‌شویم. این خیلی مهم است که این گناهان را نه تنها به خدا اعتراف کنیم، بلکه به اعضای خانواده خود نیز و با فروتنی از آنها طلب بخشش کنیم.

همین قدم‌ها هستند که باعث درخشش ایمان ما می‌شوند و شهادت خوبی از ما بجا می‌گذارند، و همین شهادتهای خوب، راه را برای مسیح باز می‌کنند تا در زندگی اطرافیان ما کار کنند.

نازی: در برنامه امروز من و شما تشویق شدیم تا از تجربه شادی بخش و رهایی بخش یک وجدان پاک و آزاد برخوردار شویم. آزاد شدن از گناهان گذشته و آثار بجای مانده آنها، در واقع بخشی از بیداری روحانی شخصی است.

از شما دعوت می‌کنیم تا کتاب **در طلب خداوند** را تهیه کنید. با مطالعه این کتاب به خصوصیات دیگری که یک زندگی بیدار در مسیح دارد پی خواهید برد.

حالا که مطالعه ما درباره داشتن وجدان پاک و آزاد و نقش آن در بیداری روحانی است، سؤالی که ممکن است برای ما پیش آید این است که آیا ما دائماً باید در حال کنکاش و ارزیابی وجدانمان باشیم. آیا این کمی زیاده روی نیست؟

در آینده به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت.

آنچه در این برنامه‌ها خدمت شما شنوندگان گرامی ارائه می‌شود، تعالیم نانسی دیماس و لگموت، با صدای فارسی سابرینا اصلان است که به سمع شما می‌رسد. ترجمه و تهیه این برنامه‌ها حاصل همکاری دو مؤسسه «دل‌هایمان احیا کن» و «راستی» می‌باشد.